



RESEARCH ARTICLE

Criminal Policy Responses to Water Imbalance in Iran: Focusing on The Role of The State and Water Governance

Abbas Shiri^{ID}

Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Corresponding Author's Email: ashiri@ut.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.109050>

Received: 7 May 2026
Accepted: 23 June 2026

ABSTRACT

Water imbalance in Iran is a complex and multifaceted phenomenon resulting from the interaction of legal, economic, social, managerial, institutional, and environmental factors. Its consequences include the quantitative and qualitative depletion of water resources, excessive extraction, groundwater degradation, and the intensification of social and economic conflicts. In this context, criminal policy cannot be limited to the criminalization of unlawful water-related conduct and the imposition of criminal sanctions. Rather, it should assess the role of criminal law within a comprehensive water governance framework. Using a descriptive-analytical method and relying on library sources, Iranian laws and regulations, and comparative studies, this study examines the capacities and limitations of Iran's criminal policy in addressing water imbalance.

Keywords: Water Imbalance; Criminal Policy; Water Governance; Green Criminology; Unauthorized Water Extraction.

Citation: Shiri, Abbas (2026). Criminal Policy Responses to Water Imbalance in Iran: Focusing on the Role of The State and Water Governance. *Iranian Journal of Public Policy*, 12 (3), 257-273.
DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.109050>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0)



مقاله پژوهشی

سیاست‌گذاری جنایی در مواجهه با ناترازی آبی در ایران؛ با تأکید بر نقش دولت و حکمرانی آب

عباس شیرینی و رنماخواستی ^{ID}

دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رایانامه نویسنده مسئول: ashiri@ut.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.109050>

تاریخ دریافت: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲ تیر ۱۴۰۵

چکیده

ناترازی آبی در ایران، پدیده‌ای پیچیده و چند عاملی است که از تعامل عوامل حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، نهادی و زیست محیطی ناشی می‌شود و آثار آن به کاهش کمی و کیفی منابع آب، برداشتهای مازاد، تخریب آبخوان‌ها و تشدید تعارضات اجتماعی و اقتصادی منتهی می‌گردد. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاری جنایی نمی‌تواند صرفاً بر جرم‌انگاری رفتارهای غیرمجاز آبی و اعمال ضمانت اجرای کیفری متمرکز شود، بلکه باید جایگاه حقوق کیفری را در چارچوب نظام جامع حکمرانی آب و با توجه به نقش دولت و نهادهای عمومی مورد ارزیابی قرار دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، قوانین و مقررات ایران، اسناد بین‌المللی و مطالعات تطبیقی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های سیاست‌گذاری جنایی ایران در مواجهه با ناترازی آبی را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حقوق کیفری ایران، به‌ویژه از طریق مقررات قانون توزیع عادلانه آب و سایر قوانین مرتبط، ظرفیت مداخله در برابر برخی رفتارهای زیان‌بار از جمله برداشت غیرمجاز و تجاوز از حدود بهره‌برداری را داراست. کارآمدی این مداخله صرفاً به شدت مجازات وابسته نیست و به عواملی مانند احتمال کشف تخلف و جرم، کیفیت پایش و نظارت، قطعیت و سرعت اجرای مقررات، هماهنگی میان نهادهای مسئول و شفافیت اطلاعات آب نیز بستگی دارد. همچنین، تحلیل رویکردهای جرم‌شناسی سبز و مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر رفتار نهایی بهره‌بردار، بدون توجه به عوامل ساختاری و تصمیم‌های عمومی مؤثر بر ایجاد و استمرار آسیب‌های آبی، نمی‌تواند پاسخ مناسبی با ماهیت ناترازی آبی فراهم کند. سیاست‌گذاری جنایی مطلوب باید در قالب الگوی تلفیقی، پیشگیری، تنظیم‌گری، واکنش کیفری متناسب و پاسخ‌گویی نهادی را در بر گیرد.

واژگان کلیدی: ناترازی آبی، سیاست‌گذاری جنایی، حکمرانی آب، جرم‌شناسی سبز، برداشت غیرمجاز آب، پاسخ‌گویی نهادی، حقوق کیفری.

استناد: شیرینی و رنماخواستی، عباس (۱۴۰۵). سیاست‌گذاری جنایی در مواجهه با ناترازی آبی در ایران؛ با تأکید بر نقش دولت و حکمرانی آب. فصلنامه

سیاست‌گذاری عمومی، ۱۲ (۳)، ۲۵۷-۲۷۳.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.109050>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

ناترازی (Imbalance) آبی، به معنای عدم تناسب میان منابع آب موجود و میزان برداشت و مصرف آن در بخش‌های مختلف، در سال‌های اخیر به یکی از مسائل مهم کشور تبدیل شده است. اگرچه بررسی علل و ابعاد کمی و فنی این وضعیت در حوزه سیاست‌گذاری منابع و حکمرانی آب قرار می‌گیرد، در پژوهش حاضر اصل وجود ناترازی آبی به عنوان وضعیت موجود و مفروض پژوهش در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا این مسئله از سوی مراجع رسمی کشور مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است.^۱ بنابراین، هدف این مقاله اثبات وجود ناترازی یا اندازه‌گیری میزان آن نیست، بلکه بررسی این موضوع است که نظام سیاست‌گذاری جنایی ایران تا چه اندازه این وضعیت، رفتارها و تصمیم‌های مؤثر بر آن را به عنوان مسئله‌ای مرتبط با مداخله کیفری شناسایی کرده و پاسخ‌های متناسبی برای آن ارائه داده است.

ناترازی آبی، مسئله‌ای در قلمرو سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی منابع آب است و عواملی مانند الگوی مصرف، نحوه تخصیص منابع، سیاست‌های توسعه‌ای، شیوه بهره‌برداری و مدیریت منابع در شکل‌گیری یا تشدید آن مؤثرند. به دلیل آثار حقوقی و اجتماعی عوامل یاد شده، مسئله از حوزه صرفاً مدیریتی فراتر رفته و در قلمرو سیاست‌گذاری جنایی نیز قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاری جنایی را نمی‌توان به جرم‌انگاری و تعیین مجازات محدود کرد؛ بلکه مجموعه‌ای از تدابیر و تصمیم‌های تقنینی، قضایی و اجرایی را در بر می‌گیرد که با هدف پیشگیری و کنترل بزهکاری اتخاذ می‌شوند. سیاست‌گذاری جنایی در مواجهه با ناترازی آبی، رویکردی مسئله محور دارد. سیاست‌گذاری مسئله محور، مستلزم شناسایی دقیق مسئله، تعیین اهداف، انتخاب ابزارهای مناسب، اجرا و ارزیابی نتایج است و سیاست‌گذاری بدون شناخت درست مسئله می‌تواند به راهکارهای نامتناسب و ناکارآمد منجر شود (شیری و عامری‌ثانی، ۱۴۰۲: ۷۰).

نقطه اتصال ناترازی آبی با سیاست‌گذاری جنایی، نه خود ناترازی، بلکه رفتارها و تصمیماتی است که در ارتباط با منابع آب نیازمند واکنش حقوقی و اجتماعی هستند و می‌توانند در ایجاد، تشدید یا کاهش ناترازی مؤثر باشند. ناترازی آبی فی‌نفسه جرم نیست و مقابله با کمبود منابع آب نیز وظیفه مستقیم سیاست‌گذاری جنایی محسوب نمی‌شود. مسئله اصلی آن است که نظام سیاست‌گذاری جنایی چه رفتارهایی را واجد اهمیت دانسته، چه ابزارهایی برای پیشگیری و کنترل آنها پیش‌بینی کرده و این ابزارها تا چه اندازه با ماهیت چند عاملی مسئله تناسب دارند.

در این زمینه، تفکیک میان «جرایم مرتبط با آب» و «آسیب‌های آبی» اهمیت دارد. جرم‌شناسی سبز نشان می‌دهد که همه آسیب‌های وارد بر منابع آب الزاماً در قالب رفتارهایی که قانون کیفری جرم‌انگاری کرده، قابل شناسایی نیستند. کاتیا امان در مدخل علمی خود درباره آسیب‌ها و جرایم ناشی از سرقت و آلودگی آب، ضمن بررسی ابعاد مختلف جرایم مرتبط با آب، بر اهمیت توجه به آسیب‌های ناشی از این رفتارها با توجه به جرم‌شناسی سبز تأکید می‌کند (Eman, 2023).

نقش دولت اهمیت ویژه‌ای دارد. دولت از یک سو بازیگر اصلی سیاست‌گذاری عمومی و مدیریت منابع آب است و از طریق تنظیم‌گری، تخصیص منابع، صدور مجوز، برنامه‌ریزی، نظارت و اجرای سیاست‌های عمومی می‌تواند بر میزان برداشت و مصرف آب اثر بگذارد. از سوی دیگر، برخی سیاست‌ها و تصمیم‌های عمومی نیز ممکن است در شکل‌گیری یا تشدید ناترازی مؤثر باشند. اهمیت این موضوع در سیاست‌گذاری جنایی از آن جهت است که دولت صرفاً کنترل‌کننده جرم نیست، بلکه خود یکی از مهم‌ترین بازیگران تولید، اجرا و ارزیابی سیاست‌گذاری‌های جنایی است. در ادبیات سیاست‌گذاری جرم دولتی نیز بر ضرورت بررسی سیاست‌ها، تصمیم‌ها و عملکرد نهادهای دولتی و آثار احتمالی آنها بر آسیب‌های اجتماعی تأکید شده است (شیری، ۱۳۹۹، ۱۹۴). از این رو، در موضوع ناترازی آبی باید بررسی شود که آیا سیاست‌گذاری جنایی موجود، در کنار توجه به رفتار اشخاص و بهره‌برداران، نقش و مسئولیت احتمالی دولت و نهادهای عمومی را نیز مورد توجه قرار داده است یا خیر. ادبیات جرم‌شناسی سبز با عبور از

۱. درباره بحران ناترازی آب رجوع کنید:

گزارش مدیریت منابع آب و توسعه پایدار، تهیه و تدوین محمد ولی سامانی، به شماره مسلسل ۷۳۷۴، صفحه ۳۵، مندرج در سایت: شرکت مدیریت منابع آب ایران، آدرس data.wrrn.ir

تمرکز صرف بر رفتار مجرمانه فردی، امکان تحلیل آسیب‌های زیست محیطی ناشی از تصمیم‌ها اقتصادی نهادی و حکمرانی را فراهم می‌کند.

ادبیات بین‌المللی نیز آب را در پیوند با حقوق آب، کمیابی، حاکمیت، امنیت، سیاستگذاری، اجرای قانون و حمایت حقوقی و اداری بررسی کرده است. در این رویکرد، مسئله کیفری آب در خلأ نهادی شکل نمی‌گیرد، بلکه در ساختار گسترده حکمرانی منابع آب قرار دارد (Brisman et al, 2020, 17-29). همچنین پژوهش جانسون، ساوت و والترز درباره کالایی شدن و بهره‌برداری از آب شیرین با رویکرد جرم‌شناسی سبز، مسئله آب را با کمیابی، منافع اقتصادی، حقوق بشر و ساز و کارهای حکمرانی آب مرتبط می‌دانند لذا آثار بهره‌برداری از منابع آب را نمی‌توان لزوماً به رفتار مجرمانه یک یا چند بهره‌بردار تقلیل داد (Walters, & Johnson, South, 2016: 146-148).

ممکن است بخشی از مصرف آب در چارچوب مجوزهای قانونی انجام شود، اما مجموع سیاست‌های تخصیصی، برداشت‌های مجاز و الگوی مصرف با ظرفیت منابع موجود تناسب نداشته باشد. در چنین وضعیتی، تمرکز صرف بر بهره‌بردار متخلف تنها بخشی از واقعیت را پوشش می‌دهد. بنابراین، ارزیابی سیاستگذاری جنایی باید علاوه بر رفتار غیرقانونی، نسبت میان چارچوب قانونی بهره‌برداری و وضعیت واقعی منابع آب را نیز مورد توجه قرار دهد.

با بررسی مطالعات موجود به نظر می‌رسد، نترازی آبی از دیدگاه مدیریت منابع و حکمرانی آب بررسی شده‌اند یا به جرایم و تخلفات مرتبط با آب پرداخته‌اند در حالی که بررسی هم‌زمان نترازی آبی از دیدگاه سیاستگذاری جنایی و ارتباط آن با جرایم و آسیب‌های آبی، نقش دولت و ساز و کارهای حکمرانی آب، نیازمند مطالعه‌ای مستقل و منسجم است.

سؤال پژوهش به این صورت طرح می‌شود: سیاستگذاری جنایی ایران در مواجهه با نترازی آبی، با تأکید بر نقش دولت و نهادهای عمومی، تا چه اندازه از ظرفیت‌های مناسب پیشگیرانه، کیفری و پاسخگویی نهادی برخوردار است؟ فرضیه پژوهش نیز به این صورت طرح می‌گردد: به نظر می‌رسد: سیاستگذاری جنایی ایران در مواجهه با نترازی آبی، علی‌رغم برخورداری از ظرفیت‌های تقنینی، پیشگیرانه و کیفری، متناسب با اهمیت و ابعاد نترازی آبی شکل نگرفته و بیشتر بر رفتار اشخاص و بهره‌برداران متمرکز است و نقش سیاست‌ها و تصمیم‌های دولتی در ایجاد یا تشدید نترازی و ضرورت پاسخ‌گویی متناسب به آن را به اندازه کافی مورد توجه قرار نداده است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌شود. قوانین و مقررات، اسناد بالادستی، سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط و منابع علمی بررسی و تحلیل شده‌اند. معیارهای تحلیل، شامل میزان شناسایی نترازی آبی و رفتارها و آسیب‌های مرتبط با آن به عنوان مسئله سیاستگذاری جنایی، تناسب و کارآمدی ابزارهای تقنینی، قضایی و اجرایی، گستره مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نهادهای ذی‌ربط، میزان هماهنگی میان سطوح مختلف سیاستگذاری جنایی، ظرفیت‌های پیش‌گیرانه و نظارتی و میزان توجه به نقش دولت و نهادهای عمومی در شکل‌گیری و تشدید نترازی آبی است.

ساختار اصلی این مقاله در سه بند تنظیم شده است. در بند الف، پیشگیری از جرایم و آسیب‌های آبی در چارچوب حکمرانی آب، سپس در بند ب واکنش کیفری متناسب با جرایم و رفتارهای مرتبط با آب و در بند ج، پاسخ‌گویی نهادی با تأکید بر نقش دولت و نهادهای عمومی و مشارکت مدنی مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف) پیشگیری از جرایم و آسیب‌های آبی

این بند به بررسی ظرفیت‌های پیش‌گیرانه سیاستگذاری جنایی ایران در مواجهه با جرایم و آسیب‌های مرتبط با منابع آب اختصاص دارد.^۱ موضوع بحث ساز و کارهایی است که از طریق تنظیم‌گری، نظارت، کنترل بهره‌برداری و مشارکت ذی‌نفعان می‌توانند از

۱. برای آگاهی از پیشگیری از جرایم زیست محیطی رک: کریم‌نیا، سحر (۱۴۰۳): جرم‌شناسی فرهنگی سبز و پیشگیری از جرایم زیست محیطی، چاپ اول، نشر میزان. - کشاورز، اسداله (۱۳۹۹): بزهکاری سبز، جلوه‌ها و پاسخ‌های تقنینی - قضایی، چاپ اول، نشر میزان.

وقوع رفتارهای غیر مجاز و گسترش آسیب‌های آبی پیشگیری کنند. جایگاه اقدامات کیفی در پیشگیری، در کنار ابزارهای اداری، نظارتی و مشارکتی با توجه به نقش دولت و نهادهای عمومی در تنظیم و اجرای این ساز و کارها، بررسی می‌شود و میزان هماهنگی این ابزارها در چارچوب حکمرانی آب مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. پیشگیری تقنینی و تنظیم‌گری منابع آب

قانون توزیع عادلانه آب مصوب (اصلاحی ۱۳۶۱) در این زمینه صلاحیت‌ها و تکالیف مشخصی برای دولت مقرر کرده است. ماده ۲۵ این قانون را می‌توان از ظرفیت‌های تقنینی واجد کارکرد پیشگیرانه در سیاست‌گذاری جنایی آب دانست. مطابق ماده یاد شده، دارندگان پروانه بهره‌برداری از منابع، ملزم هستند که از مصرف و اتلاف غیرمعقول آب، اجتناب نمایند و مجاری اختصاصی مورد استفاده خود را به نحوی که این منظور را تأمین کند، احداث و نگهداری کنند. همچنین، در صورت نامعقول یا غیراقتصادی بودن نحوه مصرف، وزارت نیرو یا وزارت جهاد کشاورزی، حسب مورد، می‌تواند مصرف‌کننده را با ارائه دستورهای فنی به اصلاح شیوه مصرف ملزم کند و در صورت عدم اجرای دستورها، ضمانت‌اجرای مقرر در ماده ۴۵ اعمال خواهد شد. بنابراین، قانون‌گذار تنها اصل دسترسی به آب را تنظیم نکرده، بلکه چگونگی مصرف و جلوگیری از اتلاف آن را نیز در قلمرو نظارت دولت قرار داده است.^۱ طبق تبصره ۲ ماده یاد شده، ضوابط و معیارهای اتلاف غیر معقول آب، در آیین‌نامه مربوطه پیش‌بینی خواهد شد.^۲ در پایان این بند لازم به تذکر است که مصرف و اتلاف غیر معقول آب در ماده یاد شده، منطبق بر عنوان «ناترازی آبی» نیست. ولی در زمان حاضر، می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای پیشگیری از تشدید فشار بر منابع آب و در نتیجه یکی از ظرفیت‌های مواجهه با ناترازی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. نقش دولت و نهادهای عمومی در پیشگیری از جرایم و آسیب‌های آبی

نقش دولت در مدیریت منابع آب پس از تخصیص و صدور مجوز بهره‌برداری پایان نمی‌یابد، بلکه تنظیم نحوه مصرف و نظارت بر چگونگی بهره‌برداری نیز بخش مهمی از وظایف دولت را تشکیل می‌دهد. اهمیت این مرحله از آن جهت است که وضعیت منابع آب تنها به میزان منابع موجود وابسته نیست، بلکه میزان برداشت، شیوه مصرف، نوع فعالیت و بهره‌وری استفاده از آب نیز در تعیین رابطه میان منابع و مصارف مؤثر است. از این رو، سیاست‌گذاری دولت در زمینه مدیریت تقاضا و اصلاح الگوی مصرف می‌تواند نقش مهمی در کاهش فشار بر منابع آب داشته باشد. پژوهش‌های جدید درباره حکمرانی آب در ایران نیز بر ضرورت مدیریت تقاضا، کاهش برداشت و هماهنگی میان بازیگران مختلف تأکید کرده‌اند (Kolahi et al., 2024: Article 162). این پژوهش با تمرکز بر دشت مشهد، مدیریت تقاضای آب را در برابر رویکردهای صرفاً عرضه‌محور مورد توجه قرار داده است. در نتیجه، مجموعه این احکام نشان می‌دهد که قانون‌گذار بخشی از پیشگیری از آسیب‌های آبی را از طریق تنظیم رفتار مصرف‌کنندگان و اعطای صلاحیت‌های نظارتی و مداخله‌ای به دولت دنبال کرده است. وجود چنین صلاحیت‌هایی به‌تنهایی برای احراز کارآمدی سیاست پیشگیرانه کافی نیست و باید نحوه اعمال و اجرای آن‌ها نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. ماده ۲۵ قانون توزیع عادلانه آب، تنظیم نحوه مصرف را مورد توجه قرار داده و در ماده ۲۹ قانون یاد شده «کنترل و نظارت بر چگونگی و میزان مصارف آب و در صورت لزوم جیره‌بندی آن» را از وظایف وزارت نیرو دانسته است. بررسی منابع آب کشور، استفاده از منابع آب زیرزمینی و جلوگیری از شور شدن آب‌های شیرین نیز در شمار وظایف این وزارتخانه قرار گرفته است. بنابراین،

۱. در نظریه شماره ۷/۱۴۰۲/۱/۱۷ مورخ ۱۴۰۲/۱/۱۷، مندرج در پرونده ۸۰۸۳-۱-۱۴۰۲، اداره حقوقی قوه قضائیه، آمده است: «تعدیل یا کاهش مجوز برداشت آب که تشخیص آن را از

امور فنی و تخصصی است، توسط مراجع مذکور در قانون مجاز است.»

۲. آیین‌نامه فصل دوم قانون توزیع عادلانه آب در ۱۳۶۳/۰۸/۱۸ به تصویب هیأت وزیران رسید.

دولت در برابر میزان مصرف آب دارای نقشی صرفاً واکنشی نیست، بلکه قانون مذکور برای آن صلاحیت نظارت مستمر و امکان مداخله پیشگیرانه پیش‌بینی کرده است.

این رویکرد با ادبیات بین‌المللی حکمرانی آب نیز همخوانی دارد. گزارش توسعه جهانی آب سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۴، در بخش «حکمرانی آب و تخصیص»، بر ضرورت وجود ترتیبات حکمرانی عادلانه برای مدیریت تقاضاهای رقیب تأکید کرده و وجود قواعدی برای ایجاد و باز تخصیص دسترسی به آب میان مصارف مختلف را از الزامات این نوع حکمرانی می‌داند. این گزارش همچنین بر ضرورت مدیریت اهداف سیاستی متفاوت و گاه متعارض در زمینه تخصیص آب تأکید دارد (UNESCO WWAP, 2024: 114–116). اهمیت این دیدگاه در تحلیل سیاست‌گذاری جنایی ایران از آن جهت است که تنظیم‌گری آب را می‌توان یکی از لایه‌های مقدماتی پیشگیری از جرایم و آسیب‌های آبی دانست. تعیین شرایط دسترسی و بهره‌برداری، محدود کردن میزان برداشت، امکان بازنگری در تخصیص‌ها و اعمال محدودیت متناسب با وضعیت منابع، می‌تواند پیش از آنکه رفتار بهره‌بردار به مرحله تخلف یا جرم برسد، از تشدید فشار بر منابع جلوگیری کند. بر این اساس، پیشگیری تقنینی در حوزه آب نباید صرفاً به جرم‌انگاری برداشت غیرمجاز و تعیین ضمانت اجرای کیفری محدود شود، بلکه قواعد حاکم بر تخصیص، مجوزدهی و تنظیم مصرف نیز بخشی از سازوکار پیشگیرانه محسوب می‌شوند.

میان رویکرد گزارش مذکور و مقررات قانون توزیع عادلانه آب ارتباط قابل توجهی وجود دارد. قانون‌گذار ایران نیز از طریق تعیین نظام مجوزها، الزام دارندگان پروانه مصرف به اجتناب از مصرف و اتلاف غیرمعمول و اعطای صلاحیت نظارت و کنترل میزان مصرف به نهادهای دولتی، صرفاً به واکنش پس از وقوع تخلف اکتفا نکرده است. بنابراین، کارآمدی سیاست جنایی در مواجهه با نترازی آبی تا حدی به کیفیت همین لایه مقدماتی تنظیم‌گری وابسته است؛ زیرا هر چه قواعد تخصیص و بهره‌برداری روشن‌تر، متناسب‌تر و قابل انطباق‌تر با وضعیت واقعی منابع باشد، امکان پیشگیری از شکل‌گیری یا تشدید رفتارهای زیان‌بار نیز افزایش می‌یابد.

اهمیت این وظیفه با توجه به تفاوت الگوی مصرف در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی بیشتر آشکار می‌شود. در کشاورزی، نوع محصول، روش آبیاری، سطح زیرکشت و بهره‌وری آب بر میزان برداشت اثر می‌گذارد. در صنعت نیز فناوری تولید، محل استقرار فعالیت و امکان بازچرخانی آب اهمیت دارد. در بخش شهری و خانگی نیز الگوی مصرف و میزان هدررفت شبکه در مقدار واقعی مصرف مؤثر است. در این میان، پژوهش آقازاده، شوریان و جوان‌صالحی درباره دشت اشتهارد نشان داده است که سیاست‌های اقتصادی – اجتماعی دولت می‌توانند بر تصمیم‌ها بهره‌برداران و میزان برداشت از آب زیرزمینی اثر بگذارند و برخی سیاست‌ها می‌توانند به کاهش برداشت کمک کنند (Aghazadeh et al., 2024: 304). این پژوهش همچنین نشان داده است که برخی ترکیب‌های سیاستی، از جمله آموزش و افزایش آگاهی زیست محیطی و اشتغال جایگزین می‌توانند برداشت آب زیر زمینی را کاهش دهند. به گونه‌ای که در سناریوهای مورد بررسی کاهش ۱۳/۹ و ۱۴/۵ درصدی برداشت گزارش شده است. (Ibid, 306-307)^۱

تنظیم مصرف آب نیازمند مجموعه‌ای از ابزارهای اداری، اقتصادی، فنی و اجتماعی است. اندازه‌گیری و پایش برداشت، اصلاح نظام مجوزدهی، تعیین استانداردهای مصرف، الزام به استفاده از فناوری‌های کم‌مصرف، تشویق به بازچرخانی آب، اصلاح الگوی کشت، آموزش و فرهنگ‌سازی و اعمال نظارت مؤثر، از جمله ابزارهایی هستند که می‌توانند پیش از رسیدن رفتار به مرحله تخلف، در کاهش فشار بر منابع مؤثر باشند. در این میان، توجه به رفتار مصرف‌کنندگان نیز اهمیت دارد. آراسته و فرجامی در مطالعه‌ای

۱. در این مطالعه، با استفاده از مدل‌سازی عامل مینا، آثار سیاست‌گذاری‌های دولتی شامل قیمت‌گذاری آب، ایجاد اشتغال جایگزین و آموزش و افزایش آگاهی زیست محیطی را در قالب پنج سناریو بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد ترکیب سیاست‌های اشتغال جایگزین و آموزش و افزایش آگاهی زیست محیطی در سناریوی چهارم نتوانست برداشت از آب زیرزمینی را ۱۳/۹ درصد کاهش دهد و هم‌زمان درآمد کشاورزان را ۳/۳ درصد افزایش دهد؛ هر چند اجرای این سیاست مستلزم سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی دولتی است. در سناریوی پنجم هر سه سیاست به صورت هم‌زمان اجرا شده‌اند، کاهش برداشت به ۱۴/۵ درصد رسیده، اما درآمد کشاورزان ۷/۹ درصد کاهش یافته است. برای آگاهی بیشتر به همان منبع صفحات ۳۰۴ تا ۳۰۷ رجوع نمایید.

درباره یک منطقه روستایی اکرم‌آباد در استان یزد نشان داده‌اند که عوامل فرهنگی و رفتاری مصرف‌کنندگان می‌تواند در مدیریت تقاضای آب زیرزمینی مؤثر باشد و آموزش عمومی، آموزش روش‌های جایگزین آبیاری، افزایش آگاهی و تغییر رفتار مصرفی می‌تواند به کاهش مصرف کمک کند (Arasteh & Farjami, 2021: Article 101215).

از این منظر، کیفیت تنظیم الگوی مصرف می‌تواند بر کارآمدی سیاستگذاری جنایی نیز اثرگذار باشد. پاسخ کیفی زمانی می‌تواند مؤثرتر باشد که در کنار سیاست‌های پیشگیرانه و تنظیمی قرار گیرد، نه آنکه جایگزین آنها شود. چنانچه امکان پیشگیری از برداشت‌های نامتعارف از طریق ابزارهای اداری، اقتصادی، فنی و اجتماعی فراهم باشد، توسل به ابزار کیفری باید با ضرورت و تناسب آن سنجیده شود. در غیر این صورت، مجازات متخلفان بدون اصلاح عوامل زمینه‌ای ممکن است تنها بخشی از مسئله را هدف قرار دهد.

این مسئله در سیاست آب ایران نیز اهمیت دارد. حسینیان در تحلیل سیاست آب ایران، تداوم رویکرد مرسوم به مسیر سخت (hard path) را مورد توجه قرار می‌دهد. رویکردی که بر راه‌حل‌های فیزیکی و توسعه زیرساخت‌های تأمین آب، مانند سدها و اجرای طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای در مواجهه با بحران آب استوار است و در مقابل، مسیر نرم (soft path) بر محدود بودن منابع آب و ضرورت افزایش بهره‌وری مدیریت تقاضا را مطرح می‌کند (Hassaniyan, 2024: 421-424).

ب - مداخله کیفری در مواجهه با ناترازی آبی

در این بند، مبانی، حدود و مصادیق مداخله کیفری در حمایت از منابع آب و مواجهه با رفتارهای مخل آن‌ها بررسی می‌شود.

۱. مبانی و قلمروی مداخله کیفری و جرم‌انگاری رفتارهای مخل منابع آب

سیاستگذاری جنایی تقنینی یکی از اجزای سیاستگذاری عمومی است که از طریق وضع قوانین، تعیین رفتارهای ممنوع، پیش‌بینی ضمانت‌اجراها و مشخص کردن حدود مداخله نظام کیفری، به مواجهه با مسائل و آسیب‌های اجتماعی می‌پردازد. از این منظر، ارزیابی سیاستگذاری جنایی در قلمرو ناترازی آبی را نمی‌توان صرفاً به احصای جرایم مرتبط با آب یا بررسی شدت مجازات‌های مقرر محدود کرد؛ بلکه لازم است مشخص شود قانون‌گذار مسئله را چگونه شناسایی و صورت‌بندی کرده و برای مقابله با رفتارهای زیان‌بار نسبت به منابع آب چه ابزارهایی را برگزیده است. این رویکرد با دیدگاه مسئله‌محور در سیاستگذاری جنایی سازگار است که شناخت دقیق مسئله، عوامل مؤثر بر آن و انتخاب پاسخ متناسب را مقدم بر مداخله می‌داند (شیری و عامری‌ثانی، ۱۴۰۲: ۷۰-۷۳).

در این زمینه، میان «ناترازی آبی»، «آسیب آبی» و «جرم آبی» باید تفکیک شود. ناترازی آبی یک وضعیت پیچیده در رابطه میان منابع و مصارف است. آسیب آبی مفهومی گسترده‌تر از جرم است و می‌تواند آثار زیان‌بار رفتارها یا تصمیماتی را در بر گیرد که الزاماً وصف مجرمانه ندارند. جرم آبی، رفتاری است که به موجب قانون واجد وصف مجرمانه شناخته شده و مشمول ضمانت اجرای کیفری می‌باشد.

جرم‌انگاری یکی از ابزارهای سیاستگذاری جنایی در این قلمرو است. ممکن است برداشت غیرمجاز، تجاوز از حدود پروانه یا سایر رفتارهای مشخص نسبت به منابع آب با ضمانت اجرای کیفری مواجه شوند، اما وجود چنین مقرراتی لزوماً به معنای آن نیست که سیاستگذاری جنایی کشور توانسته است با تمام ابعاد مسئله ناترازی آبی مواجه شود. اگر عوامل پیشینی مؤثر بر افزایش تقاضا، تخصیص نا متناسب یا بهره‌برداری ناپایدار از منابع مورد توجه قرار نگیرند، مداخله کیفری عمدتاً در مرحله پس از وقوع جرم باقی خواهد ماند.

ارزیابی سیاستگذاری جنایی تقنینی در ادامه بر این پرسش استوار خواهد بود که آیا قوانین ایران توانسته‌اند میان حفاظت کیفری از منابع آب، پیشگیری از رفتارهای زیان‌بار، تنظیم بهره‌برداری و پاسخ‌گویی بازیگران

مختلف تناسب برقرار کنند یا آنکه پاسخ تقنینی عمدتاً بر رفتار بهره‌برداران متمرکز مانده است. بر مبنای این چارچوب، نخست باید مقررات مربوط به جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با بهره‌برداری از منابع آب بررسی شود و سپس میزان تناسب این مقررات با ماهیت چند بعدی ناترازی آبی مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲. جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با بهره‌برداری از منابع آب در حقوق ایران

سیاستگذاری جنایی تقنینی ایران در حوزه منابع آب، از طریق شناسایی برخی رفتارهای ناقض نظام بهره‌برداری از آب و تعیین ضمانت‌اجرا برای آنها نمود یافته است. مهم‌ترین مقرر در این زمینه، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ است که در ماده ۴۵، مجموعه‌ای از رفتارهای مرتبط با تصرف، انتقال، اتلاف و بهره‌برداری غیرمجاز از منابع آب را مشمول پاسخ کیفری قرار داده است. از جمله این رفتارها می‌توان به باز کردن عمدی دریچه و مقسم بدون اجازه، ایجاد تغییر در تقسیم آب، دخالت غیرمجاز در وسایل اندازه‌گیری، انتقال آب بدون حق یا اجازه، تضييع عمدی آب به زیان دیگری، تصرف بدون مجوز آب متعلق به دیگری و حفر چاه یا قنات و بهره‌برداری از منابع آب بدون رعایت مقررات قانونی اشاره کرد.

اهمیت ماده مذکور، صرفاً در جرم‌انگاری رفتارهای مذکور خلاصه نمی‌شود؛ بلکه باید بررسی کرد که صورت‌بندی مسئله در این ماده تا چه اندازه با مسئله‌ای که امروزه تحت عنوان ناترازی آبی شناخته می‌شود، تناسب دارد.

بررسی ماده ۴۵ نشان می‌دهد که جهت‌گیری اصلی قانون‌گذار، حمایت از حقابه، نظم توزیع آب، تأسیسات آبی و رعایت حدود قانونی بهره‌برداری بوده است. بنابراین، جهت‌گیری غالب ماده ۴۵ قانون یاد شده ناظر بر «رفتار ممنوع» و «نقض مقررات بهره‌برداری» است، نه الزاماً «توازن میان ظرفیت منابع و مجموع مصارف آب». این تفاوت برای پژوهش حاضر اهمیت اساسی دارد؛ زیرا ناترازی آبی مفهومی گسترده‌تر از مجموعه رفتارهای غیرمجاز اشخاص است و ممکن است بخشی از آن در نتیجه تصمیمات، سیاست‌ها و مجوزهایی شکل گیرد که در زمان اتخاذ یا اجرا، واجد وصف غیرقانونی یا کیفری نبوده‌اند.

پژوهش **موسوی و رضوی‌فرد** نیز با بررسی سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی ایران در صیانت از منابع آبی، بر پراکندگی مقررات، ناکافی بودن برخی تدابیر و ضعف هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول تأکید کرده و ضرورت بازنگری در سیاست جنایی مرتبط با منابع آب را مطرح می‌کند (موسوی و رضوی‌فرد، ۱۴۰۴: ۱۷۲-۱۸۳).

از سوی دیگر، ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب، آلودگی آب را ممنوع کرده و مسئولیت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی منابع آب را نیز مورد توجه قرار داده است. این حکم نشان می‌دهد که حمایت از منابع آب صرفاً در قالب حقوق کیفری تعریف نشده، بلکه از همان قانون، پیوند میان مداخله کیفری، تنظیم‌گری اداری و اقدامات پیشگیرانه قابل مشاهده است. بنابراین، ارزیابی سیاست جنایی باید علاوه بر جرم‌انگاری، کارآمدی ابزارهای اداری، نظارتی و پیشگیرانه را نیز دربرگیرد.

این رویکرد با ادبیات جرم‌شناسی سبز نیز هماهنگ است. این ادبیات، مسائل مربوط به آب را حقوق بشر، کمیابی، منافع اقتصادی و حکمرانی مرتبط و ساختارهای قدرت مرتبط دانسته و تحلیل آسیب‌های آبی را فراتر از نقض صرف قواعد کیفری می‌داند.^۱ **جانسون، ساوت و والترز** نیز بهره‌برداری از آب شیرین را در ارتباط با کمیابی، منافع اقتصادی و حکمرانی بررسی کرده و بر ضرورت توجه به ابعاد گسترده‌تر حقوقی، اقتصادی و حکمرانی مسأله آب تأکید کرده‌اند. (Johnson, South & Walters, 2016: 146-162).

اهمیت این دیدگاه برای پژوهش حاضر در آن است که بخشی از فشار وارد بر منابع آب ممکن است در چارچوب رفتارهایی شکل گیرد که در ظاهر قانونی هستند. اگر میزان برداشت یا مصرفی بر اساس مجوز قانونی صورت گیرد، نمی‌توان صرفاً به دلیل قانونی بودن آن، آثار تجمعی آن بر وضعیت منابع آب را از حوزه سیاستگذاری خارج کرد. پرسش اصلی در این وضعیت آن نیست

۱. برای آگاهی از رویکردهای جرم‌شناسی سبز، رک: گرجی‌فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی سبز، چاپ اول، نشر میزان.

که آیا هر بهره‌بردار مرتکب جرم شده است، بلکه این است که آیا چارچوب قانونی و سیاستی حاکم بر این رفتارها با ظرفیت واقعی منابع و هدف حفاظت از آنها تناسب دارد یا خیر.

۳. ارزیابی تناسب و کارآمدی واکنش کیفری

منظور از ارزیابی تناسب واکنش کیفری این است که بررسی شود، آیا نوع و شدت مداخله و مجازات با ماهیت، میزان و پیامدهای رفتار محل منابع آب و نیز ضرورت استفاده از ابزار کیفری در مقایسه با ابزارهای غیر کیفری متناسب است یا خیر. منظور از کارآمدی واکنش کیفری یعنی میزان موفقیت پاسخ کیفری در تحقق اهدافی که برای آن پیش‌بینی شده است. صرف جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌های شدید، برای ارزیابی سیاست‌گذاری جنایی در قلمروی ناترازی آب کافی نیست، بلکه باید بررسی شود که این واکنش‌ها تا چه اندازه در پیشگیری از رفتارهای محل منابع آبی، کاهش تکرار آن‌ها و حمایت مؤثر از منابع آبی موفق بوده‌اند. از سوی دیگر، تناسب واکنش کیفری با نوع و شدت آسیب نیز اهمیت دارد. فرض کنید، دو بهره‌بردار بدون مجوز اقدام به برداشت آب کنند، یکی در منطقه‌ای که آبخوان از وضعیت مناسب آبی برخوردار است، مقدار محدودی آب و برای مدت کوتاهی برداشت کند و دیگری در منطقه‌ای با آبخوان بحرانی، به صورت مستمر و در حجم قابل توجه اقدام به برداشت کند. هر دو رفتار از نظر قانونی منطبق بر عنوان مجرمانه است، ولی از نظر میزان خطر، شدت آسیب و پیامدهای زیست محیطی یکسان نیستند. بنابراین، سیاست‌گذاری جنایی متناسب باید بتواند میان این دو وضعیت تمایز قابل شود و شدت واکنش را با میزان خطر و آسیب ایجاد شده هماهنگ کند.

قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران تحول مهمی در جهت سیاست‌گذاری تلفیقی ایجاد کرده است. مواد ۳۷، ۴۰ و ۴۱ این قانون، به ترتیب بر مدیریت یکپارچه منابع آب، پایش و حسابداری منابع و مصارف، تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی، جلوگیری از اضافه برداشت، استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری و مقابله با آلودگی منابع آب تأکید دارند. اهمیت این رویکرد در آن است که قانون‌گذار، در کنار ضمانت‌اجراهای کیفری، ابزارهای اطلاعاتی، مدیریتی، نظارتی و پیشگیرانه را نیز مورد توجه قرار داده است. این موارد را می‌توان در جهت تقویت رویکردی ترکیبی دانست که در کنار ضمانت‌اجراهای کیفری، از ابزارهای مدیریتی، نظارتی و پیشگیرانه نیز استفاده می‌کند. با این حال، پیش‌بینی تکالیف قانونی به تنهایی برای اثبات کارآمدی سیاست‌گذاری کافی نیست. تحقق اهداف مقرر، به ظرفیت اجرایی دستگاه‌ها، پایش مستمر، هماهنگی نهادی و امکان ارزیابی نتایج بستگی دارد.

مطالعات تطبیقی نیز بر ضرورت ترکیب ابزارهای کیفری و غیرکیفری تأکید دارند. **سایبر و همکاران** در بررسی جرایم مرتبط با استفاده غیرقانونی از منابع آب، صرف مجازات مرتکبان را کافی ندانسته و بر پیشگیری، اصلاح سازوکارهای حقوقی و نهادی و افزایش آگاهی عمومی تأکید کرده‌اند (Sabry et al., 2024: 22-36). همچنین **لاخ و همکاران** نشان داده‌اند که بازدارندگی مؤثر از برداشت غیرقانونی آب صرفاً به شدت مجازات وابسته نیست و عواملی مانند احتمال کشف، قطعیت اجرای قانون، سازگاری مقررات و شفافیت نهادی نیز اهمیت دارند (Loch et al., 2024: 380-389).

این یافته‌ها برای حقوق ایران اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا میان «وجود جرم‌انگاری» و «اثربخشی جرم‌انگاری» باید تفاوت گذاشت. اگر احتمال کشف تخلف پایین باشد، نظارت نا کارآمد باشد یا اجرای ضمانت‌اجرا با عدم قطعیت همراه شود، اثر بازدارندگی مقررات کاهش می‌یابد. بنابراین، ارزیابی سیاست جنایی تقنینی باید از متن قانون فراتر رفته و ظرفیت اجرایی و نهادی آن را نیز مورد توجه قرار دهد.

یکی از اهداف اساسی سیاست‌گذاری جنایی در قلمروی آب، حفاظت از منابع و پیشگیری از رفتارهای زیان‌بار، از برداشت مازاد و تضمین پایداری منابع آبی است، نه صرفاً تعیین مجازات. معیار کارآمدی سیاست‌گذاری جنایی، در قلمروی آب را نمی‌توان صرفاً تعداد محکومیت‌ها و شدت مجازات دانست، میزان پیشگیری از رفتارهای غیر مجاز، کاهش برداشت‌های غیر مجاز، کاهش آسیب به منابع آب و تحقق مؤثر اهداف حمایتی، نیز باید مورد توجه قرار گیرد. موفقیت سیاست‌گذاری جنایی در این باره، همچنین بستگی

به ابزارهای اداری، نظارتی و پیش گیرانه دارد. در صورت فقدان یا ناکافی بودن اقدامات یاد شده، عملاً نظام عدالت کیفری، توفیق چندانی در حفاظت از منابع آبی و جلوگیری از برداشتهای بی‌رویه نخواهد داشت.

ج - پاسخگویی نهادی در سیاست جنایی نترازی آبی

ابتدا نقش ساختاری دولت در حکمرانی و مدیریت منابع آب و تأثیر آن بر شکل‌گیری و کنترل نترازی مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس، حدود مسئولیت و پاسخگویی نهادهای عمومی و نسبت آن با مسئولیت بهره‌برداران بررسی می‌شود. در نهایت، معیارهای ارزیابی سیاستگذاری جنایی در پرتو پاسخگویی و حکمرانی مؤثر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در اینجا میان «مسئولیت» و «پاسخ‌گویی» باید تفکیک کرد. مسئولیت، حسب مورد، می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد و تحقق آن تابع شرایط و مبانی خاص حقوقی است؛ در حالی که پاسخ‌گویی نهادی مفهومی گسترده‌تر است و ناظر بر الزام نهادها و مقامات دارای اختیار به توضیح، ارائه اطلاعات، نظارت‌پذیری، ارزیابی عملکرد و پاسخ به آثار تصمیمات و اقدامات آنان است. از این‌رو، طرح پاسخ‌گویی نهادی در این پژوهش لزوماً به معنای انتساب مسئولیت کیفری به دولت یا مقامات عمومی نیست.

۱. نقش ساختاری دولت و نهادهای عمومی

تحلیل سیاستگذاری جنایی در قلمرو نترازی آبی، بدون بررسی نقش دولت و نهادهای عمومی در ساختار حکمرانی آب، ناقص خواهد بود. دولت در این حوزه صرفاً ناظر بر رفتار بهره‌برداران یا اعمال‌کننده ضمانت‌اجراهای قانونی نیست، بلکه از طریق قانون‌گذاری، سیاستگذاری، تخصیص منابع، صدور مجوز، تنظیم بهره‌برداری، ایجاد زیرساخت، نظارت و تولید و جمع‌آوری اطلاعات، نقش مستقیمی در شکل‌گیری و مدیریت وضعیت منابع آب دارد. از این‌رو، هنگامی که نترازی آبی به‌عنوان مسئله‌ای چندعاملی مورد توجه قرار می‌گیرد، ارزیابی سیاست جنایی نیز باید نسبت به نقش و عملکرد نهادهای عمومی حساس باشد. این حساسیت به معنای فرض مسئولیت حقوقی یا کیفری نهادهای عمومی نیست، بلکه به معنای بررسی میزان پاسخ‌گویی آنان متناسب با صلاحیت‌ها، تکالیف و آثار تصمیمات و اقداماتشان است. به بیان دیگر، هر چه اختیار و نقش یک نهاد در تنظیم، تخصیص، نظارت و حفاظت از منابع آب بیشتر باشد، ضرورت شفافیت، نظارت‌پذیری و ارزیابی عملکرد آن نیز اهمیت بیشتری می‌یابد.

دولت یکی از مهم‌ترین بازیگران شبکه تصمیم‌گیری درباره منابع آب محسوب می‌شود. حکمرانی آب صرفاً مدیریت فنی منابع نیست، بلکه مجموعه‌ای از ترتیبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری است که بر نحوه تخصیص، بهره‌برداری و حفاظت از آب اثر می‌گذارد. پژوهش غلامی، گلبارانی و ملک‌حسینی درباره حکمرانی منابع آب در بخش کشاورزی ایران نیز عواملی مانند تمرکزگرایی، ضعف مشارکت نهادهای محلی، چالش‌های اداری و قانونی و کمبود توجه به دانش بومی را از موانع حکمرانی مطلوب دانسته و بر تعیین دقیق نقش و اختیارات کنشگران تأکید کرده است (Gholami, Golbarani & Malek Hosseini, 2023: 183-208).

این یافته نشان می‌دهد که وضعیت منابع آب را نمی‌توان صرفاً حاصل رفتار مصرف‌کنندگان نهایی دانست. بخشی از شرایطی که در نهایت ممکن است در قالب برداشت غیرمجاز یا مصرف بیش از حد مشاهده شود، می‌تواند در مراحل پیشین و در ساختار تصمیم‌گیری، تخصیص، مجوزدهی و نظارت شکل گرفته باشد. بنابراین، سیاست جنایی مسئله‌محور باید علاوه بر رفتار نهایی، زمینه‌های نهادی و تنظیمی مؤثر بر آن را نیز مورد توجه قرار دهد.

در قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، مسئله آب را صرفاً در قالب مقابله با بهره‌برداری غیرمجاز تعریف نکرده است. در این چارچوب، مدیریت تراز منابع و مصارف و ایجاد نظام اطلاعاتی دقیق، به عناصر مهم سیاست عمومی آب تبدیل شده‌اند. از منظر سیاستگذاری جنایی، وجود چنین نظام اطلاعاتی اهمیت اساسی دارد. جرم‌انگاری زمانی می‌تواند اثر

بازدارنده داشته باشد که امکان کشف و اثبات تخلف نیز وجود داشته باشد. اگر میزان واقعی برداشت مشخص نباشد، اطلاعات مربوط به چاه‌ها ناقص باشد یا ابزارهای اندازه‌گیری و پایش کارآمد نباشند، حتی مقررات کیفری مناسب نیز ممکن است در عمل اثر محدودی داشته باشند. بنابراین، نظام پایش و حسابداری آب را باید بخشی از زیرساخت اجرای سیاست جنایی دانست.

میان نقش دولت در شکل‌گیری یا تشدید زمینه‌های ناترازی و مسئولیت کیفری دولت یا مقامات عمومی باید تفکیک روشنی برقرار کرد. تأثیرگذاری یک تصمیم سیاستی، ضعف نظارت یا ناکارآمدی نهادی بر وضعیت منابع آب، به‌خودی‌خود به معنای تحقق جرم نیست. مسئولیت کیفری تابع اصل قانونی بودن جرم و مجازات و مستلزم وجود نص قانونی و تحقق عناصر جرم است. بنابراین، بحث حاضر ناظر به انتساب خودکار مسئولیت کیفری به دولت نیست، بلکه مسئله اصلی، میزان پاسخ‌گویی حقوقی، اداری و نهادی بازیگرانی است که در حکمرانی آب اختیار و مسئولیت دارند.

بر این اساس، در این پژوهش باید میان چهار مفهوم تفکیک شود: مسئولیت کیفری که مستلزم تحقق عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم است؛ مسئولیت مدنی که حسب مورد ناظر بر جبران خسارت و آثار زیان‌بار است؛ مسئولیت اداری که می‌تواند در پی نقض تکالیف و الزامات اداری و قانونی مطرح شود؛ و پاسخ‌گویی نهادی که ناظر بر الزام به توضیح، شفافیت، نظارت‌پذیری، ارزیابی و پاسخ نسبت به تصمیمات و عملکرد است. افزون بر این، پاسخ‌گویی سیاسی و عمومی نیز می‌تواند از طریق ساز و کارهایی مانند نظارت پارلمانی، دسترسی به اطلاعات و نظارت عمومی تحقق یابد. بنابراین، پاسخ‌گویی نهادی مفهومی عام‌تر از مسئولیت کیفری است و لزوماً به معنای وجود تخلف یا جرم نیست.

این تمایز اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اگر مفهوم مسئولیت تنها به مسئولیت کیفری محدود شود، سطوح مهمی مانند مسئولیت اداری، مدنی، سیاسی و نظارت عمومی نادیده گرفته خواهد شد. ممکن است یک تصمیم دولتی واجد وصف کیفری نباشد، اما همچنان بتواند موضوع نظارت اداری، اصلاح سیاست، مسئولیت مدنی یا سازوکارهای پاسخ‌گویی عمومی قرار گیرد. بنابراین، سیاست جنایی جامع باید جایگاه این ابزارها را در کنار حقوق کیفری مشخص کند.

مشارکت ذی‌نفعان نیز در حکمرانی آب اهمیت دارد. پژوهش‌های هنگ و همکاران درباره سیاست‌های حوزه موری - دارلینگ نشان داده است که گروه‌های مختلف ذی‌نفع از دانش و نگرانی‌های متفاوتی برخوردارند و استفاده از این ظرفیت‌های دانشی می‌تواند کیفیت تصمیم‌گیری و حکمرانی منابع طبیعی را ارتقا دهد (Hong et al., 2026: 389-415). بنابراین، حکمرانی آب را نباید رابطه‌ای صرفاً دوجانبه میان دولت و بهره‌بردار دانست؛ بلکه مشارکت کشاورزان، تشکلهای محلی، مصرف‌کنندگان، متخصصان و سازمان‌های محیط‌زیستی نیز می‌تواند در طراحی سیاست‌های پیشگیرانه مؤثر باشد.

بر این اساس، نقش دولت در ناترازی آبی را می‌توان در سه سطح بررسی کرد: نخست، دولت به‌عنوان سیاست‌گذار و تنظیم‌کننده منابع آب؛ دوم، دولت به‌عنوان ناظر و مجری مقررات؛ و سوم، دولت به‌عنوان یکی از بازیگران مؤثر بر ایجاد یا تشدید زمینه‌های ناترازی. در سطح نخست، کیفیت سیاست‌گذاری و تخصیص منابع اهمیت دارد؛ در سطح دوم، کارآمدی نظارت و اجرای مقررات تعیین‌کننده است؛ و در سطح سوم، مسئله پاسخ‌گویی نسبت به تصمیم‌ها و عملکردهای مؤثر بر وضعیت منابع آب مطرح می‌شود. برآیند بحث آن است که دولت در سیاست‌گذاری جنایی ناترازی آبی نمی‌تواند صرفاً «طرف مقابل بهره‌بردار» تلقی شود. دولت بخشی از ساختار حکمرانی آب است و کیفیت تصمیم‌ها و اقدامات آن بر محیطی که رفتارهای آبی در آن شکل می‌گیرند اثر می‌گذارد. از این‌رو، سیاست‌گذاری جنایی در این حوزه باید میان نقش دولت به‌عنوان سیاست‌گذار و تنظیم‌کننده، ناظر و مجری مقررات و یکی از بازیگران مؤثر بر ایجاد یا تشدید زمینه‌های ناترازی، تناسب لازم را برقرار کند. البته این امر به معنای توسعه نامحدود مسئولیت کیفری دولت نیست؛ بلکه به معنای ضرورت تناسب میان اختیار، وظیفه، نقش و پاسخ‌گویی بازیگران مختلف در نظام حکمرانی آب است.

۲. از مسئولیت بهره‌بردار تا پاسخ‌گویی دولت

در نظام حقوقی آب، بهره‌بردار در صورت نقض قواعد مربوط به برداشت، مصرف یا بهره‌برداری غیرمجاز، نخستین مخاطب ضمانت‌اجراهای قانونی است. این امر برای حمایت از منابع آب و تضمین اجرای مقررات ضروری است؛ باین‌حال، هنگامی که نترازی آبی به‌عنوان مسئله‌ای ساختاری و چندعاملی بررسی می‌شود، محدود کردن پاسخ‌گویی به بهره‌برداران متخلف، تمام ابعاد مسئله را پوشش نمی‌دهد.

مقصود از پاسخ‌گویی دولت در این بخش، پیش‌فرض گرفتن مسئولیت دولت در قبال نترازی آبی نیست؛ بلکه بررسی ساز و کارهایی است که بر اساس آن‌ها نهادهای عمومی باید نسبت به نحوه اعمال صلاحیت‌ها، رعایت تکالیف قانونی، کیفیت تصمیم‌گیری و نتایج عملکرد خود توضیح دهند و تحت نظارت و ارزیابی قرار گیرند.

تفاوت میان «مسئولیت بهره‌بردار» و «پاسخ‌گویی دولت» ناشی از تفاوت جایگاه این دو دسته از بازیگران است. بهره‌بردار معمولاً در مرحله نهایی استفاده از منابع آب قرار دارد، درحالی‌که دولت و نهادهای عمومی از طریق قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، تخصیص، صدور مجوز، تنظیم‌گری و نظارت، چارچوبی را ایجاد می‌کنند که رفتار بهره‌برداران در آن شکل می‌گیرد. ازاین‌رو، پاسخ‌گویی این دو گروه را نمی‌توان با معیار واحد ارزیابی کرد.

در حوزه آب، بسیاری از تصمیم‌ها دارای آثار تجمعی هستند. صدور مجوزهای متعدد، تعیین سقف برداشت، تخصیص آب به بخش‌های مختلف و سیاست‌های توسعه کشاورزی و صنعتی ممکن است هرکدام به‌تنهایی قانونی و قابل توجیه باشند، اما مجموع آنها در بلندمدت فشار فزاینده‌ای بر منابع آب ایجاد کند. بنابراین، ارزیابی مسئولیت نباید صرفاً به آخرین حلقه زنجیره، یعنی بهره‌بردار، محدود شود. این برداشت با رویکرد جرم‌شناسی سبز نیز هماهنگ است؛ رویکردی که میان «جرم آبی» و «آسیب آبی» تمایز می‌گذارد و نشان می‌دهد که همه آسیب‌های زیست‌محیطی الزاماً در قالب عناوین کیفری موجود قابل توضیح نیستند (Eman, 2023).

مسئله پاسخ‌گویی دولت باید پیش از انتساب مسئولیت کیفری بررسی شود. دولت در نظام حکمرانی آب، علاوه بر اجرای مقررات، در تعیین قواعد بهره‌برداری، صدور مجوز، ایجاد نظام اندازه‌گیری، جمع‌آوری اطلاعات و نظارت بر مصرف نیز نقش دارد. بنابراین، کیفیت عملکرد این نهادها می‌تواند بر میزان خطر و آسیب وارد بر منابع آب اثرگذار باشد.

کلارک، آدونال و کیلان دربارهٔ حوزه آبریز Murray–Darling استرالیا نیز نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر برداشت غیرقانونی و استفاده از ابزار کیفری، بدون اصلاح سازوکارهای حکمرانی و پاسخ‌گویی نهادی، تنها بخشی از مسئله را پوشش می‌دهد. از نظر آنان، اجرای قانون باید در کنار طراحی نهادی، پاسخ‌گویی و سازوکارهای غیرکیفری قرار گیرد (Clark, 2026 & Killean, O'Donnell).

در حقوق ایران نیز این مسئله با ساختار قانون توزیع عادلانه آب ارتباط دارد. قانون مزبور علاوه بر تعیین ضمانت‌اجرا برای بهره‌برداری غیرمجاز، وظایف و اختیاراتی را در زمینه مدیریت، نظارت و حفاظت از منابع آب برای نهادهای عمومی پیش‌بینی کرده است. بنابراین، ماده ۴۵ این قانون و سایر مقررات کیفری مرتبط را باید در ارتباط با نظام اداری و تنظیمی آب مورد ارزیابی قرار داد.

از این منظر، یکی از شاخص‌های مهم پاسخ‌گویی دولت، فراهم کردن شرایط اجرای مؤثر قانون است. اندازه‌گیری دقیق برداشت، ثبت اطلاعات چاه‌ها، پایش منابع، نظارت بر مجوزها و تعیین سقف‌های متناسب با ظرفیت منابع، پیش‌شرط اثربخشی مداخله کیفری است. پژوهش Loch و همکاران نیز نشان می‌دهد که بازدارندگی از برداشت غیرقانونی آب صرفاً به شدت مجازات وابسته نیست و قطعیت اجرا، شفافیت نهادی و انسجام نظام تنظیم‌گری اهمیت اساسی دارد (Loch et al., 2024: 380–389).

بنابراین، می‌توان میان «پاسخ کیفری پسینی» و «پیشگیری حکمرانی» تمایز گذاشت. پاسخ کیفری پس از وقوع رفتار ممنوع فعال می‌شود، درحالی‌که پیشگیری حکمرانی با ایجاد نظام مناسب اطلاعات، پایش، تنظیم‌گری و کنترل تلاش می‌کند احتمال وقوع رفتار آسیب‌زا را کاهش دهد. سیاست جنایی متناسب با ناترازی آبی باید این دو سطح را در کنار یکدیگر قرار دهد. در همین راستا، Tignino بر چندسطحی بودن حمایت حقوقی از آب تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که حفاظت از منابع آب می‌تواند در پیوند با حقوق کیفری، حقوق بشر و سایر سازوکارهای حقوقی و نهادی مورد بررسی قرار گیرد (Tignino, 2023: 734-706). این دیدگاه مؤید آن است که حمایت از آب را نمی‌توان به مجازات کیفری فروکاست.

بر این اساس، می‌توان مفهوم «توازن پاسخ‌گویی» را معیار مناسبی برای ارزیابی سیاست جنایی در حوزه ناترازی آبی دانست. مقصود آن است که نظام حقوقی، متناسب با نقش، اختیار، میزان تأثیرگذاری و قابلیت پیشگیری هر بازیگر، سازوکار پاسخ‌گویی مناسبی پیش‌بینی کند. بنابراین، هدف، قرار دادن دولت و بهره‌بردار در معرض ضمانت‌اجراهای مشابه نیست؛ بلکه باید میان قدرت تصمیم‌گیری و میزان پاسخ‌گویی تناسب برقرار باشد.

برای مثال، حفر یک چاه غیرمجاز ممکن است مستقیماً به شخص مشخصی منتسب شود؛ اما کاهش مستمر سطح آبخوان می‌تواند حاصل مجموعه‌ای از برداشتهای مجاز و غیرمجاز، سیاست‌های تخصیصی، الگوی کشت، تصمیم‌ها اقتصادی و ضعف نظارت در طول سالیان باشد. در چنین شرایطی، نسبت دادن کل وضعیت ناترازی به رفتارهای مجرمانه بهره‌برداران، از نظر تحلیلی کافی نیست.

البته اثبات وجود عدم توازن میان مسئولیت بهره‌بردار و پاسخ‌گویی دولت در حقوق ایران، نیازمند بررسی قوانین، مقررات، صلاحیت نهادها، رویه قضایی و عملکرد اجرایی است. بنابراین، در این مرحله باید این موضوع را یک فرضیه قابل آزمون دانست، نه نتیجه‌ای قطعی.

در مجموع، مسئولیت بهره‌بردار و پاسخ‌گویی دولت دو مقوله متعارض نیستند، بلکه دو سطح متفاوت از نظام جامع حکمرانی و سیاست جنایی‌اند. بهره‌بردار در برابر نقض قواعد مشخص مسئول است و نهاد عمومی نیز باید نسبت به نحوه اعمال صلاحیت، رعایت الزامات قانونی، کیفیت نظارت و کارآمدی سیاست‌های خود پاسخ‌گو باشد. ابزار کیفری نیز باید تنها در مواردی به کار رود که شرایط و ضرورت مداخله کیفری وجود داشته باشد.

بنابراین، معیار نهایی ارزیابی سیاست جنایی تقنینی در قلمرو ناترازی آبی، صرفاً میزان جرم‌انگاری نیست؛ بلکه **تناسب میان قدرت، نقش، مسئولیت و پاسخ‌گویی بازیگران مختلف در زنجیره حکمرانی آب** است. چنین رویکردی از یک سو مانع توسعه ناموجه مسئولیت کیفری دولت می‌شود و از سوی دیگر، نقش نهادهای عمومی در ایجاد، کنترل و پیشگیری از آسیب‌های آبی را نادیده نمی‌گیرد. بر همین مبنا، بررسی ظرفیت‌های مسئولیت‌آداری، مدنی، کیفری و سایر سازوکارهای نظارتی دولت، گام بعدی پژوهش خواهد بود.

۳. ارزیابی سیاست‌گذاری جنایی در پرتو پاسخ‌گویی و حکمرانی مؤثر آب

ارزیابی سیاست‌گذاری جنایی در قلمرو ناترازی آبی نمی‌تواند صرفاً به احصای عناوین مجرمانه، شدت مجازات‌ها یا ضمانت‌اجراهای کیفری محدود شود. ناترازی آبی پدیده‌ای چندعاملی است که شکل‌گیری و استمرار آن تحت تأثیر عوامل حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و نهادی قرار دارد. بنابراین، سیاست جنایی کارآمد باید علاوه بر واکنش به رفتارهای مجرمانه، نسبت خود را با عوامل پیشینی و ساختاری مؤثر بر ایجاد و استمرار آسیب‌های آبی نیز مشخص کند. در حقوق ایران نیز رابطه میان رفتار بهره‌بردار و عملکرد نهادهای عمومی از ساختار قانونی مدیریت آب قابل تفکیک نیست. بنابراین، اثربخشی ضمانت‌اجراهای کیفری باید در ارتباط با سازوکارهای آداری و نظارتی مورد ارزیابی قرار گیرد. «تناسب پاسخ‌گویی» می‌تواند یکی از معیارهای ارزیابی سیاست جنایی تقنینی باشد.

سیاست جنایی باید با جهت‌گیری‌های کلان حکمرانی آب هماهنگ باشد. ماده ۳۸ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر «استقرار حکمرانی مطلوب منابع آب کشور» و مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع و مصارف آب، نشان می‌دهد که مسئله آب در سطح سیاست عمومی فراتر از مقابله با تخلفات فردی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، ارزیابی سیاست جنایی باید بررسی کند که آیا ابزارهای کیفری با اهدافی مانند حفاظت از منابع، کنترل برداشت و تعادل میان منابع و مصارف هماهنگ هستند یا خیر.

در نتیجه، ارزیابی سیاست جنایی در قلمرو نترازی آبی باید دست‌کم بر چهار معیار استوار باشد: تناسب جرم‌انگاری و ضمانت‌اجراها با ماهیت و شدت آسیب؛ کارآمدی کشف و اجرای مقررات؛ هماهنگی میان سیاست کیفری و نظام حکمرانی آب؛ و وجود سازوکارهای متناسب پاسخ‌گویی برای بازیگران دارای اختیار و نقش مؤثر در منابع آب.

بر مبنای این معیارها، افزایش عناوین مجرمانه یا تشدید مجازات‌ها به‌تنهایی نشانه موفقیت سیاستگذاری جنایی نیست. معیار اساسی آن است که آیا مداخلات حقوقی به کاهش برداشت غیرمجاز، افزایش رعایت مقررات، بهبود نظارت و حفاظت پایدار از منابع آب منجر شده‌اند یا خیر. بنابراین، سیاست جنایی متناسب با نترازی آبی باید به سمت الگویی تلفیقی از **پیشگیری، تنظیم‌گری، نظارت، واکنش کیفری و پاسخ‌گویی نهادی** حرکت کند.

ناترازی آبی ظرفیت حقوق کیفری را نفی نمی‌کند، بلکه حدود و جایگاه آن را در نظام جامع حکمرانی آب مشخص می‌سازد. بهره‌بردار در برابر نقض قواعد قانونی مسئول است و نهادهای عمومی نیز باید نسبت به نحوه اعمال صلاحیت‌ها، رعایت الزامات قانونی، کیفیت نظارت و کارآمدی اقدامات خود پاسخ‌گو باشند.

مسئولیت کیفری تنها در صورت تحقق شرایط قانونی آن قابل انتساب است، در حالی که پاسخ‌گویی نهادی می‌تواند بدون تحقق مسئولیت کیفری نیز از طریق شفافیت، نظارت، ارزیابی عملکرد، اصلاح تصمیمات و سایر ساز و کارهای قانونی و عمومی تحقق یابد. این تفکیک، ضمن جلوگیری از توسعه ناموجه مسئولیت کیفری دولت، امکان ارزیابی نقش نهادهای عمومی در ایجاد، کنترل و پیشگیری از آسیب‌های آبی را فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

ناترازی آبی در ایران از جمله مسائل پیچیده‌ای است که آثار آن از حوزه محیط‌زیست فراتر رفته و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مدیریتی و حتی کیفری یافته است. مسئله اصلی این پژوهش آن بود که نظام سیاستگذاری جنایی ایران تا چه اندازه توانسته است متناسب با ماهیت و ابعاد ناترازی آبی، از منابع آب حمایت کرده و میان جرم‌انگاری، پیشگیری، تنظیم‌گری، نظارت و پاسخ‌گویی نهادی هماهنگی ایجاد کند. بررسی انجام‌شده نشان داد که پاسخ به این مسئله صرفاً از طریق توسعه قلمرو حقوق کیفری و تشدید ضمانت‌اجراها امکان‌پذیر نیست و نیازمند نگاهی جامع به ساختار حکمرانی آب است.

تحلیل موضوع نشان داد که ناترازی آبی صرفاً حاصل کاهش منابع طبیعی یا افزایش مصرف نیست. این وضعیت حاصل عدم تعادل میان منابع و مصارف آب است که در شکل‌گیری آن مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی دخالت دارند. رشد تقاضا، برداشت بیش از ظرفیت منابع، الگوی نامتناسب مصرف، توسعه کشاورزی و فعالیت‌های اقتصادی، تغییرات اقلیمی، ضعف مدیریت و نظارت و برخی کاستی‌های ساختاری در نظام تخصیص و بهره‌برداری، در کنار یکدیگر می‌توانند به تشدید ناترازی منجر شوند. از این‌رو، هرگونه سیاست حقوقی که تنها رفتار نهایی بهره‌بردار را هدف قرار دهد، بخش مهمی از علل شکل‌گیری مسئله را نادیده خواهد گرفت.

بررسی سیاست جنایی نشان داد که سیاست جنایی صرفاً مجموعه‌ای از قوانین کیفری و مجازات‌ها نیست، بلکه مجموعه‌ای از تدابیر تقنینی، قضایی، اجرایی، پیشگیرانه و اجتماعی برای کنترل رفتارهای آسیب‌زا و حمایت از ارزش‌های اساسی جامعه است. بر این اساس، در حوزه آب نیز باید میان جرم‌انگاری رفتارهای زیان‌بار و پیشگیری از شرايطی که زمینه وقوع این رفتارها را فراهم

می‌کنند، ارتباط برقرار شود. این رویکرد با ماهیت مسئله‌محور سیاست جنایی سازگارتر است و مانع از آن می‌شود که حقوق کیفری مسئول حل مشکلاتی شود که منشأ اصلی آنها در ساختارهای اقتصادی، اداری یا مدیریتی قرار دارد.

بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران نشان داد که قانون‌گذار از گذشته رفتارهایی مانند حفر غیرمجاز چاه، برداشت غیرمجاز و تجاوز به منابع و تأسیسات آبی را مورد توجه قرار داده و برای آنها ضمانت‌اجراهایی پیش‌بینی کرده است. قانون توزیع عادلانه آب مهم‌ترین چارچوب قانونی این حوزه محسوب می‌شود و در کنار مقررات کیفری، نظامی از مجوزدهی، نظارت و تنظیم بهره‌برداری را نیز ایجاد کرده است. بنابراین، حمایت کیفری از آب در حقوق ایران فاقد مبنا نیست؛ مسئله اصلی، میزان تناسب، انسجام و کارآمدی این حمایت در برابر وضعیت جدید ناترازی آبی است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که جرم‌انگاری به‌تنهایی قادر به تأمین حفاظت پایدار از منابع آب نیست. اثربخشی حقوق کیفری به عواملی مانند احتمال کشف تخلف، کیفیت پایش، قطعیت اجرای قانون، سرعت رسیدگی، دسترسی به اطلاعات دقیق، هماهنگی میان نهادهای اجرایی و قضایی و تناسب ضمانت‌اجراها نیز وابسته است. بنابراین، حتی وجود مقررات کیفری نسبتاً گسترده، در صورت ضعف سازوکارهای اجرایی و نظارتی، الزاماً به بازدارندگی مؤثر منجر نمی‌شود.

از سوی دیگر، بررسی عوامل ساختاری ناترازی نشان داد که دولت و نهادهای عمومی را نمی‌توان صرفاً در جایگاه مجری مجازات یا طرف مقابل بهره‌بردار قرار داد. دولت از طریق سیاست‌گذاری، تخصیص منابع، صدور مجوز، تنظیم بهره‌برداری، ایجاد زیرساخت، پایش و نظارت، در شکل‌گیری شرایطی که رفتارهای آبی در آن رخ می‌دهند، نقش اساسی دارد. این امر به معنای انتساب خودکار مسئولیت کیفری به دولت یا مقامات عمومی نیست؛ بلکه ضرورت توجه به اشکال مختلف پاسخ‌گویی اداری، مدنی، نظارتی و در موارد واجد شرایط، کیفری را مطرح می‌کند.

در این زمینه، یکی از نتایج مهم پژوهش، ضرورت تفکیک میان «مسئولیت کیفری» و «پاسخ‌گویی عمومی» است. اصل قانونی بودن جرم و مجازات اجازه نمی‌دهد ناکارآمدی یا تصمیم نامناسب اداری، بدون وجود نص قانونی و تحقق عناصر جرم، مبنای مسئولیت کیفری قرار گیرد. با این حال، فقدان مسئولیت کیفری نباید به معنای مصونیت عملکرد نهادهای عمومی از ارزیابی و نظارت تلقی شود. از این رو، سیاست جنایی مطلوب باید میان میزان اختیار، نقش، قدرت تأثیرگذاری و نوع پاسخ‌گویی هر بازیگر تناسب برقرار کند.

مطالعات تطبیقی نیز این نتیجه را تقویت می‌کنند. پژوهش‌های بررسی‌شده درباره جرم و آسیب آبی، حکمرانی آب و برداشت غیرقانونی نشان می‌دهند که تمرکز صرف بر مجازات، بدون اصلاح ساختارهای تنظیمی و نهادی، نمی‌تواند به کاهش پایدار آسیب‌های آبی منجر شود.

در حقوق ایران، تأکید قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت به «حکمرانی مطلوب منابع آب» و مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع و مصارف نیز بیانگر ضرورت عبور از نگاه صرفاً کیفری است. بر این اساس، سیاست جنایی باید با سیاست عمومی آب هماهنگ باشد و حقوق کیفری در کنار ابزارهای تنظیمی، اقتصادی، اداری، اطلاعاتی و مشارکتی قرار گیرد. پایش دقیق منابع، کنترل برداشت، اصلاح مجوزهای نامتناسب، شفافیت اطلاعات، مشارکت ذی‌نفعان و تقویت هماهنگی نهادی می‌توانند در پیشگیری از تخلفات و کاهش آسیب‌ها نقشی اساسی داشته باشند.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش می‌توان گفت که سیاست‌گذاری جنایی ایران ظرفیت‌هایی مهم برای حمایت از منابع آب دارد، اما این ظرفیت‌ها زمانی می‌توانند در مواجهه با ناترازی آبی کارآمد باشند که در چارچوب یک نظام جامع حکمرانی آب به کار گرفته شوند. چالش اصلی، صرفاً کمبود جرم‌انگاری نیست؛ بلکه مسئله مهم‌تر، هماهنگی میان مقررات کیفری و نظام اداری، نظارتی و مدیریتی آب، افزایش قابلیت اجرای مقررات و ایجاد سازوکارهای متناسب پاسخ‌گویی برای تمامی بازیگران مؤثر است. یافته‌های پژوهشی از فرضیه پژوهش مبنی بر ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری‌های جنایی موجود حمایت می‌کند. البته نه الزاماً از طریق گسترش بی‌ضابطه جرم‌انگاری، بلکه از طریق اصلاح و تکمیل یک نظام چندسطحی حمایت از منابع

آب. در چنین نظامی، حقوق کیفری باید نسبت به رفتارهای شدید، عمدی و روشن زیان‌بار واکنش متناسب نشان دهد؛ ابزارهای اداری و تنظیمی باید زمینه وقوع تخلف را کاهش دهند؛ نظام پایش و اطلاعات باید امکان کشف مؤثر تخلف را فراهم کند؛ و نهادهای عمومی نیز متناسب با وظایف و اختیارات خود در معرض پاسخ‌گویی قرار گیرند.

در پایان، می‌توان گفت معیار موفقیت سیاست‌گذاری جنایی در حوزه نترازی آبی، نه تعداد عناوین مجرمانه و نه شدت مجازات‌ها، بلکه میزان کاهش واقعی آسیب، افزایش رعایت مقررات، حفاظت پایدار از منابع، ارتقای شفافیت و نظارت و ایجاد تناسب میان قدرت، مسئولیت و پاسخ‌گویی بازیگران مختلف است. بنابراین، مواجهه مؤثر با نترازی آبی مستلزم گذار از سیاست جنایی صرفاً واکنشی به سیاستی پیشگیرانه، مسئله‌محور و هماهنگ با حکمرانی پایدار آب است؛ سیاستی که در آن حقوق کیفری جایگاه مهم خود را حفظ می‌کند، اما بار حل یک بحران ساختاری بر دوش آن گذاشته نمی‌شود.

تعارض منافع

متن حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

1. Aghazadeh, R., Shourian, M., & Javan Salehi, M. (2024). Assessment Of The Impact Of Socio-Economic Policies On Groundwater consumption using a multi-agent-based modeling approach. *Water policy*, 26(3), 290–308. <https://doi.org/10.2166/wp.2024.008>.
2. Arasteh, m. A., & farjami, y. (2021). Supporting sustainable rural groundwater demand management with fuzzy decision analysis: a case study in iran. *Utilities policy*, 70, article 101215. Doi: 10.1016/j.jup.2021.101215.
3. Brisman, a., mcclanahan, b., south, n., & walters, r. (2020). The politics of water rights: scarcity, sovereignty and security. In k. Eman, g. Meško, I. Segato, & m. Migliorini (eds.), *water, governance, and crime issues* (pp. 17–29). Cham: springer. Doi: 10.1007/978-3-030-44798-4_2.
4. Eman, k. (2023). The harms and crimes of water theft and pollution. *Oxford research encyclopedia of criminology and criminal justice*. Oxford university press. Doi: 10.1093/acrefore/9780190264079.013.773.
5. Gholami, majid, golbarani, rahim, & malek-hosseini, afsoun. (2023). Factor analysis of the problem of water resources governance in the agricultural sector and its impact on the political geography of iran. *Political geography research*, 8(2), 183–208. Doi: 10.22067/pg.2023.80857.1198. [in persian]
6. Hassaniyan, a. (2024). Iran's water policy: environmental injustice and peripheral marginalisation. *Progress in physical geography: earth and environment*, 48(3), 420–437. Doi: 10.1177/03091333241252523.
7. Hong, p., wei, y., bouckaert, f., johnston, k., & head, b. (2026). Stakeholder knowledge in water governance: insights from public submissions in the murray-darling Basin. *Policy Sciences*, 59(2), 389–415. DOI: 10.1007/s11077-026-09607-x.
8. JOHNSON, Hope, SOUTH, Nige & WALTERS, Reece. (2016). The commodification and exploitation of fresh water: Property, human rights and green criminology. *International Journal of Law, Crime and Justice*, vol. 44, 146–162. DOI: 10.1016/j.ijlcj.2015.07.003.
9. KILLEAN, R., O'DONNELL, E., & CLARK, C. (2026). Rethinking the 'carceral creep' in water governance: Enforcement, accountability, and restorative possibilities in Australia's Murray–Darling Basin. *Journal of Environmental Law*, 1–27. DOI: 10.1093/jel/cqag020.
10. KOLAH, M., DAVARY, K., & OMRANIAN KHORASANI, H. (2024). Integrated approach to water resource management in Mashhad Plain, Iran: Actor analysis, cognitive mapping, and roadmap development. *Scientific Reports*, 14, Article 162. DOI: 10.1038/s41598-023-50697-x.
11. LOCH, A., CROFT, M., ADAMSON, D., & GIANCASPRO, M. (2024). Assessing effective deterrence of theft in transboundary water systems. *Nature Water*, 2(4), 380–389. DOI: 10.1038/s44221-024-00223-8.
12. MAKLA VANI, N. M. P., KARIMI, S., & BALIST, J. (2026). Policy choices matter: Scenario-based decision support for water sustainability in an arid region (Yazd–Ardakan Watershed, Iran). *World Water Policy*, 12(3), Article e70085. DOI: 10.1002/wwp2.70085.
13. MOSAVI, Seyed Ebrahim, & REZVIFARD, Behzad. (2025). Strategies of legislative, judicial and executive criminal policy for the protection of water resources in Iran. *Comparative Studies of Jurisprudence, Law and Politics*, 7(3), 172–183. DOI: 10.61838/csjlp.299. [in Persian]
14. SABYR, A., RAMAZANOVA, A., KOISHYBAIULY, K., ZHANIBEKOV, A., & APAKHAYEV, N. (2024). Problems of prevention of criminal offenses related to the use of water resources in Kazakhstan. *World Water Policy*, 10(1), 22–36. DOI: 10.1002/wwp2.12166.
15. SHIRI, Abbas, & AMERI-SANI, Amiria. (2023). Problem-oriented approach in criminal policymaking. *Public Policy*, 9(2), 68–82. DOI: 10.22059/jppolicy.2023.93608. [in Persian]
16. SHIRI, Abbas, & JAFARPOUR-SADEGH, Elham. (2021). Requirements governing the criminalization of state crimes in the criminal policymaking process of Iran. *Public Policy*, 7(4), 145–165. DOI: 10.22059/jppolicy.2021.84827. [in Persian]
17. SHIRI, Abbas. (2018). Criminal policymaking from internal control to external control of crime. *Public Policy*, 4(3), 103–121. DOI: 10.22059/jppolicy.2018.68429. [in Persian]
18. SHIRI, Abbas. (1399). Analysis of the dimensions of state crime policymaking in Iran. *Public Policy*, 7(4), 193–209. DOI: 10.22059/jppolicy.2021.80487. [in Persian]
19. TIGNINO, M. (2023). The regulation of crimes against water in armed conflicts and other situations of violence. *International Review of the Red Cross*, 105(923), 706–734. DOI: 10.1017/S1816383123000061.
20. UNESCO World Water Assessment Programme (UNESCO WWAP). (2024). The United Nations World Water Development Report 2024: Water for Prosperity and Peace. 153 pages, Paris: UNESCO. ISBN 978-92-3-100657-9

21. WHITE, R., & EMAN, K. (2020). Green criminology, water issues, human rights and private profit. In K. Eman, G. Meško, L. Segato, & M. Migliorini (Eds.), *Water, Governance, and Crime Issues* (pp. 3–15). Cham: Springer. DOI: 10.1007/978-3-030-44798-4_1.

قوانین و مقررات

22. Islamic Republic of Iran. (1963). Law on Environmental Protection and Enhancement, enacted in 1974, with subsequent amendments. [in Persian]
23. Islamic Republic of Iran. (1981). Fair Water Distribution Act, enacted on 6 March 1982, with subsequent amendments. [in Persian]
24. Islamic Republic of Iran. (1984). Executive Regulations of Chapter Two of the Fair Water Distribution Act, enacted on 9 October 1984. [in Persian]
25. Islamic Republic of Iran. (2010). Law on Increasing Productivity of the Agricultural Sector and Natural Resources. [in Persian]
26. Islamic Republic of Iran. (2013). Islamic Penal Code (Ta'zirat), enacted in 1996, Article 688. [in Persian]
27. Islamic Republic of Iran. (2024). (Seventh Five-Year National Development Plan of the Islamic Republic of Iran (2024–2028) .(in Persian)